

## بازرگانی

موقعیت مناسب ایران برای بازرگانی خارجی در غالب ادوار تاریخی موجب بسط تجارت و تمرکز سرمایه در این کشور بوده است. راه مشهور ابریشم که مدیترانه را به چین از طریق راههای ارتباطی شمال ایران مرتبط ساخته بود و راه ادویه که از طریق خلیج فارس و بنادر جنوبی ایران می‌گذشت و خریداران کالای هندوستان را از طریق ایران با آن شبه قاره مربوط می‌ساخت از قرن هفتم تا اوایل قرن دهم هجری و تشکیل دولت صفویه موجب رونق بازار تجارت داخلی و خارجی ایران بوده و بندر سیراف (بندر طاهری کنونی) و گمبرون (بندر عباس فعلی) و ریشهر (بندر بوشهر) و بعضی از بنادر دریای عمان و تکیه گاههای دریایی ایران در خلیج فارس از قبیل جزایر هرمز و قشم در دوره حکومت صفویه به پایه‌ای از فعالیت و رونق تجارتی رسیدند که در آسیای غربی و جنوبی نظایر آنها را در آن دوره نمی‌توان یافت.

سیاست اقتصادی حکومت صفویه براساس حمایت از طبقات مولد ثروت و تشویق تجارت داخلی و خارجی بود و رفتار و سلوک محبت‌آمیز پادشاهان صفوی با پیگانگان و تضمین جان و مال تجار خارجی از طرف دولت در آن عصر بازرگانی خارجی ایران را به منتهای بسط و توسعه خود رسانید و پرتغالیها و هلندیها و انگلیسها و سپس فرانسویان، که در ارتباط و تجارت با شرق جانشین مردم ونیز<sup>(۱)</sup> و ژن<sup>(۲)</sup> ایتالیا شده بودند، تجارتخانه‌های متعدد در بنادر جنوب ایران و شیراز و اصفهان دایر کردند و علاوه بر ابریشم خام مقداری از محصولات کشاورزی ایران و محصولات هنرهای زیبا و ظریف صنعتگران ایرانی را می‌خریدند و با کالاهای تهیه شده از هندوستان به اروپا می‌بردند و ماهوت و پارچه پشمی و بعضی از مصنوعات دستی اروپا را به بازارهای ایران وارد می‌کردند.

نادر شاه نه تنها در حفظ روابط بازرگانی ایران با مردم تاجرپیشه اروپا کوشید بلکه درصدد برآمد که بحریه تجارتی و نیروی دریایی در دریای خزر و خلیج فارس برای کشور خود به وجود آورد و در این راه اقداماتی کرد ولی هرج و مرج سیاسی بعد از قتل نادر اقدامات او را بی‌اثر گذاشت. کریم‌خان زند طرفدار بازرگانان خارجی بود و هرگونه تسهیلی را در کار تجارت فراهم می‌ساخت و هلندیها در درجه اول و انگلیسها در درجه دوم از همراهی و کمک پادشاه زندیه برخوردار بودند.

اروپا در قرن هیجدهم میلادی مقارن با قرن دوازدهم هجری با انقلاب صنعتی مواجه گردید و

۱ - (ونتسیا - بندر فعال ایتالیا در شمال دریای آدریاتیک Venezia (Venise)

۲ - (بندر معتبر ایتالیا در کنار دریای مدیترانه GENE (Genoa)

استفاده از نیروهای طبیعی مانند بخار آب برای بکار انداختن کارخانه‌ها نخست در انگلستان و سپس در ممالک دیگر اروپا رواج یافت و در رشته‌های گوناگون صنایع خاصه نساجی و ریسندگی اختراعات تازه به عمل آمد و تحول جدیدی روی داد که نتیجه آن بالا رفتن سطح تولید بود. انگلستان در رأس کشورهای صنعتی جدید قرار داشت و روسته‌زاری نیز بتدریج روش و تکنیک صنعت جدید یعنی صنایع ماشینی را از اروپای غربی اقتباس نموده و کارخانه‌های متعدد پارچه بافی و شیشه‌گری و چینی‌سازی و امثال آنها دایر کرده بود.

صنعت جدید با تولید زیاد و بسط طرق ارتباطیه خاصه راه‌آهن در اروپا، بازاریابی برای فروش کالای صنعتی را بدنبال داشت و چون در برابر اروپای صنعتی، آسیای فلاحی و افریقای سیاه قرار داشتند، بازرگانان اروپایی متوجه این دو قاره شدند تا، ضمن تأمین بازار فروش کالای صنعتی خود، بازارهای مناسب برای خریداری مواد خام نباتی و مواد اولیه معدنی در ممالک آسیایی و افریقای به دست آورند. کشمکش‌های خونین و جنگهای ممتد نیمه اول قرن نوزدهم اروپا بر محور علل اقتصادی دور می‌زد. بطور کلی تحولات اقتصادی اروپا و جنگهای نیمه اول قرن نوزدهم اروپا در سراسر جهان اثر فراوان برجای گذاشت.

در دوره اول سلطنت قاجاریه یعنی از ۱۲۱۰ تا ۱۲۵۰ هجری قمری حکومت قاجاریه با یک سلسله جنگهای دفاعی در برابر روسیه و عثمانی مواجه گردید و انگلستان پس از راندن رقیب خود، فرانسه، از ایران، برای بسط نفوذ سیاسی خویش در کشور ما به فعالیت پرداخت و رقابت اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس به نحو بارزی در ایران تجلی کرد این رقابت در درجه اول برای رخنه در امور مالی و اقتصادی ایران و کسب امتیازات اقتصادی و معافتهای گمرکی و عقد قراردادهای تجارتی پرسود برای آن دو کشور آغاز گردید و روز به روز شدت یافت و هر دو رقیب برای پیشرفت مقاصد خود از هیچ اقدام و عمل سیاسی خودداری نکردند. بدین ترتیب بازرگانی خارجی ایران به مرور زمان در انحصار دو دولت زورمند روس و انگلیس قرار گرفت و امور مالی و گمرکی و سایر شئون اقتصادی ایران استقلال خود را از دست داد.

## واردات و صادرات

ایران کشور کشاورزی بوده و جز مواد خام نباتی و حیوانی محصول دیگری برای صدور به خارج نداشته و این حالت هنوز در کشور ما برقرار و قسمت اعظم صادرات ما به خارج مواد حاصله از کشاورزی و دامپروری است. ممالکی که با ایران داد و ستد داشتند سعی می‌کردند که مواد خام



نباتی و حیوانی را در بازارهای داخلی به حداقل قیمت خریداری کنند و چون ایران راه‌های ارتباطی درجه اول نداشت خریداران خارجی کالاهای ایران حمل کالا را تا بنادر جنوب و شمال بر بازرگانان فروشنده کالا تحمیل می‌کردند و جنس خریداری شده را در یکی از بنادر شمال یا جنوب ایران تحویل می‌گرفتند و با کشتی‌های خود حمل می‌کردند. بازرگان انگلیسی و روسی چه از لحاظ خرید کالا در داخل کشور ما و چه از لحاظ وارد کردن کالاهای خود به کشور سود فراوان می‌بردند.

به طور کلی همیشه صادرات ایران از واردات کمتر بوده و این امر منحصر به ایران نیست بلکه غالب کشورهای جهان حتی ممالک بزرگ صنعتی نیز پیوسته با کسر صادرات نسبت به واردات مواجه بوده و هستند و این کسر را از طرق دیگر و تأمین اعتبارات تجاری و یا امتیازات اقتصادی که در ممالک دیگر به دست آورده‌اند جبران می‌کنند.

در تجارت خارجی ایران، روس و انگلیس و هندوستان به تفاوت مقام اول و دوم و سوم را داشتند و مدتها روسیه مقام اول را در تجارت خارجی ایران برای خود حفظ کرده بود. به طوری که قریب به ۴۵ درصد از معاملات خارجی ایران با روسیه انجام می‌گرفت و انگلیس و هند نیز ۲۵ تا ۳۰ درصد داد و ستد خارجی ایران را داشتند و ۳۰ تا ۲۵ درصد بقیه واردات و صادرات ایران با کشورهای دیگر جهان صورت می‌گرفت.

ارزش واردات ایران از روسیه غالباً یک برابر و نیم ارزش صادرات و از انگلستان و هند (مستعمره انگلیس) پنج تا پنج برابر و نیم بهای صادرات ایران به آن دو کشور و بهای صادرات ایران به عثمانی بیش از ارزش واردات از آن کشور بوده است. بدین ترتیب عثمانی از لحاظ خرید کالای ایران در مقام اول و روسیه در مقام دوم قرار داشته‌اند.

واردات ایران عبارت بوده است از: منسوجات پنبه‌ای و پارچه‌های پشمی خالص و منسوجات پشم و پنبه و بافته‌های ابریشم و پنبه، قند، چای، کبریت، نفت، پوست خام برای تهیه چرم، نخ پنبه و کتان، آلات آهنی و فولادی و ورقه‌های آهن سیاه و آهن سفید (حلبی) و مسکوک طلا و شمش طلا و نقره و امثال آنها. صادرات مهم عبارت بود از: پنبه، میوه خشک، فرش و قالی و قالیچه، برنج، ابریشم خام، پوست خام، تریاک، صمغ و پشم خام.

جدول صفحه بعد نموداریست از فعالیت و کوشش دو دولت روسیه و انگلیس در راه تسلط بر بازار ایران و بالا بردن حجم و بهای واردات خود به این کشور. بلژیک نیز به علت همبستگی با سیاست خارجی بریتانیا و بدان علت که اتباع آن دولت به عنوان مستشار و مستخدم امور مانلی در رأس تشکیلات گمرکی ایران قرار داشتند توانست واردات خود را به ایران افزایش دهد و از طرف

### ترقی و تنزل واردات<sup>۱</sup>

به‌های واردات در سال		به‌های واردات در سال		اسم مملکت
۱۳۱۹ هجری قمری		۱۳۲۸ هجری قمری		کاشنی به قران نیست اوریدی
به قران		به قران		
۱۱۳۷۵۵۵۸۳	۲۱۹۵۵۹۲۰۶	۱۰۵۸۰۳۶۲۲	-	روسیه
۱۲۵۲۵۳۵۸۱	۱۸۹۶۶۵۱۵۹	۶۳۳۱۱۵۷۸	-	انگلستان با هند
۱۰۵۱۵۱۷۲	۱۵۳۶۸۳۸۸	۳۷۵۳۲۱۶	-	عثمانی
۲۳۸۲۷۵۵	۱۳۹۷۷۴۴۵	۱۱۵۹۴۶۹۰	-	آلمان
۲۳۸۸۷۰۷۶	۱۳۶۷۳۸۰۲	۱۰۳۱۴۲۷۴	-	فرانسه و مملکت
۱۳۰۸۰۴۶۶	۱۰۸۳۷۸۱۸	۱۳۴۲۶۳۸	-	اتریش
۸۶۷۳۳۰	۸۱۳۶۷۷۳	۸۰۶۹۳۴۳	-	بلژیک
۲۱۶۷۶۱۱	۱۵۴۴۰۱۳	۶۳۴۵۹۸	-	هاندو مستملکت
				فریب ۸ برابر

دیگر چون ظرفیت بازار ایران برای قبول کالای خارجی تقریباً ثابت مانده بود افزایش حجم بهای واردات ممالک روسیه و انگلیس به ایران قهراً موجب تقلیل واردات کشورهای دیگر مانند فرانسه و اتریش و هلند گردیده و فقط کشور آلمان بوده است که با ایجاد تسهیلات ابتکاری در تجارت خارجی خود و در میدان رقابت اقتصادی با انگلستان و روسیه توانسته است بازرگانان ایران را به خود جلب کند و در مدت ده سال واردات خود را به ایران تا ۶/۵ برابر افزایش دهد.

### راههای ارتباطی

این دوره در داخل کشور از نوع جاده‌های ارباره و سواره و پیاده‌رو و بیشتر مخصوص حمل محمولات پستی بود که بوسیله گاری به شهرهای مختلف فرستاده می‌شد. مهمترین راههای ارتباطی عبارت بودند از:

- ۱- راه تبریز به مشهد از طریق قزوین تهران و نیشابور که قسمتی از راه ابریشم بوده است. در این دوره یکی از مهمترین راههای ارتباطی و از سمت شمال غربی به جلغای روسیه و از طریق جلغا به تغلیس و راههای ارتباطی روسیه و از سمت شرق به افغانستان مربوط می‌شد.
- ۲- راههای تهران به کرانه خلیج فارس بود که یکی از قم و کاشان و نائین و یزد و کرمان تا بندرعباس ادامه داشت و دیگری از طریق اصفهان و شیراز به بندر بوشهر می‌رسید.



۳- راه‌های تهران به دریای خزر که مهمترین آنها راه تهران به انزلی از طریق قزوین و رشت بود که امتیاز ساختمان و بهره‌برداری از آن را روس‌ها از شاه قاجار گرفتند.

این راه و راه تهران به جلفای روسیه، مسیر کاروانهای تجاری بود که **تجار کالاهای روسیه** را به بازارهای داخلی می‌رسانیدند و **کالاهای ایران** را به انزلی و جلفا می‌بردند.

راه تجارت خارجی ایران در شمال از بندر دریای خزر و مهمتر از همه بندر انزلی بود که در آنجا مال‌التجاره‌های ایران به روسیه، لهستان، آلمان، اتریش و بالکان فرستاده می‌شد و از آنجا به وسیله راه آهن به بازارهای روسیه و ممالک اروپای شرقی حمل می‌شد و کالاهای روسیه از همین طریق یا از راه جلفا و تبریز به ایران فرستاده می‌شد و به‌همین جهت رشت و تبریز از مراکز مهم بازرگانی ایران و روسیه بوده است.

خلیج فارس در اختیار کشتی‌های تجارتی انگلستان بود و بندر محمره (خرمشهر) و بندر بوشهر و بندر عباس مراکز تجارتی انگلستان بود و کالاهای هند و انگلستان و کشورهای تابع بریتانیا از این بندر به داخل ایران فرستاده می‌شد.

پس از اعطای امتیاز **اکتشاف و استخراج نفت جنوب**، بندر محمره و آبادان مرکز فعالیت تجارتی انگلیس‌ها گردید.<sup>(۱)</sup>

## وزارت داخله

وزارت داخله از زمان صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله در ایران دایر شد، ولی این وزارت‌خانه تا اولین دوره مجلس شورای ملی، چندان اسم و رسمی نداشت بنابراین فعالیت این وزارت‌خانه از دوران بعد از مشروطه است.

در مجلس اول، قانونی برای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و روابط آنها با حکام و وزارت داخله از مجلس گذشت ولی این قانون بدون آنکه لغو شود، اجرا نگردید.

کار وزارت داخله را به چند قسمت شمال و جنوب و مشرق و مغرب تقسیم کردند و برای هر یک اداره‌ای ترتیب دادند. انتخابات هم اداره خاصی داشت و این ادارات هریک به کارهای مربوط به خود رسیدگی می‌کردند.

برای حکام ایالات و ولایات مستقل هم، دفتر و اعضای تعیین کرده بودند که مواجب آنها با

حقوق خود حاکم، ماه به ماه در محل پرداخته می شد ولی برای نایب الحکومه ها حقوق تعیین نشده بود و بدین ترتیب نایب الحکومه ها و یا کسانی که در اینگونه شهرها حاکم افتخاری بودند از طرف حاکم به آنها حقوق داده می شد.<sup>(۱)</sup>

مرکز ایالات و بعضی از ولایات، اداره ای به نام نظمیه هم داشت. حاکم هر شهر چند نفر از فراشان خود را با لباس مخصوص با یکنفر رئیس در ولایات و شهرها مامور حفظ انتظامات و امنیت شهر می کرد و علاوه بر حقوقی که از طرف حاکم به آنها داده می شد، این افراد مبالغی هم به عناوین مختلف از مردم می گرفتند.

## پست و تلگراف

تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه، امور پستی در ایران با همان اصول قدیم و فرستادن قاصد در موقع ضروری معمول بود. فرستادن قاصد هم مخارج زیادی داشت که همه کس از عهده آن بر نمی آمد، چاپارهای دولتی، هم جز نامه های دولتی چیزی با خود نمی بردند و برای این مقصود از مبداء حرکت تا مقصد بیش از یک اسب در اختیار نداشتند.

فکر احداث پستخانه در ایران به صورت ممالک مترقی، برای اولین بار در زمان فتحعلیشاه پیدا شد. سرگراولی در ملاقاتی که با فتحعلیشاه کرد، لزوم تأسیس پستخانه را برای مملکت ایران خاطر نشان نمود و فوائد آن را برای شاه تشریح کرد، فتحعلیشاه نظر سفیر مزبور را پسندید و دستوری برای تأسیس پستخانه به عنوان میرزا شفیع خان صدراعظم صادر نمود. ولی تا سال ۱۲۶۶ هجری عملی نگردید، تا اینکه امیرکبیر ایجاد پستخانه را در سراسر ایران جزء برنامه های اصلاحی خود قرار داده و شفیع خان را به تصدی امور کل پستخانه ایران گماشت و به حکام ایالات و ولایات دستور داد که هریک در قلمرو حکومت خود، در تمام شهرها و جاده ها چاپارخانه های متعددی بنا کنند.

در این چاپارخانه ها که در این دوره ساخته شد اتاق هایی نیز برای استراحت مسافرین و نگهداری مایحتاج آنها در نظر گرفتند که البته شامل اصطبل هم بوده است. در تمام چاپارخانه ها اسبان ممتاز متعددی، آماده بود که چاپار به محض ورود، اسب خود را عوض می کرد. دولت ایران برای این که پستخانه را به وضع اروپایی درآورد، از متخصصان خارجی استفاده



کرد، چنان‌که در سال ۱۲۹۲ یکنفر اطریشی را برای تنظیم پست، به وضع اروپایی استخدام نمود و پست‌خانه ایران به دستگیری او سروصورتی یافت و دو سال بعد از این تاریخ، دولت ایران عضویت اتحادیه پستی بین‌المللی را پذیرفت. پس از مستشار اطریشی، اشتغال از اتباع روسیه به سمت مدیر کلی پست ایران معین گردید، ولی دوران کار او یک سال بیش طول نکشید. اشتغال که مرد بسیار فاضل و دقیقی بود، در مدت اقامت خود در ایران، تحقیقات علمی عمیقی راجع به معادن و اوضاع جغرافیایی شمال و جنوب شرقی کشور نمود و مقالات و نقشه‌های مفیدی در این باب منتشر ساخت.

پس از رفتن اشتغال باز پست ایران تا مدتی گرفتار هرج و مرج بود، تا آن‌که اداره این کار از طرف ناصرالدین شاه به وزیر رسائل خاصه یعنی میرزا علیخان امین‌الدوله واگذار شد و این شخص سالها پست ایران را به خوبی تحت نظر خود داشت و برای این که آن را منظم‌تر کند در سال ۱۳۱۴ که به ریاست وزراء انتخاب شد، سه تن بلژیکی را که مشهورترین آنها نوز بود استخدام کرد، گرچه هیئت بلژیکی بعدها در امور سیاسی کشور مداخله کردند ولی اساس پست‌خانه و گمرک و ضرابخانه امروزی ما در نتیجه اقدامات آنها است.

بنا به توضیح روزنامه وقایع اتفاقیه، برای ارسال هر نامه ۵ شاهی تعیین شده بود و برای پاکتی که شامل ۵ مکتوب بود یک قران دریافت می‌گردید، البته باید در نظر داشت که در این موقع علاوه بر فرستنده کاغذ، گیرنده آن نیز مبلغی در همان حدود پرداخت می‌نمود.

بر طبق برنامه پستی که از طرف دولت تدوین و تنظیم شده بود، در خطوط آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان، خراسان، فارس و کرمانشاه، ماهی دو مرتبه چاپار در اول و نیمه هر ماه رفت و آمد داشت ولی در خط کرمان، نظر به بُعد مسافت آن چاپار فقط ماهی یکبار در پنجم هر ماه می‌رفت. از اقدامات دیگری که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه توسط امیرکبیر در امور پستی ایران معمول شد، داشتن جواز عبور و تذکره است که علامت شیروخورشید بر روی آن نقش شده بود، جواز عبور برای تمام مسافران اجباری و رایگان بوده است.

بعد از ناصرالدین شاه امور پستی مانند سایر تشکیلات ایران در اثر بروز هرج و مرج در کشور، ترتیب سابق خود را از دست داد و اغلب چاپارخانه‌ها در نتیجه عدم مراقبت و بی‌مبالاتی مأمورین مربوطه از بین رفت.

اولین خط تلگرافی که در ایران دایر شد در سال ۱۲۷۴ هجری قمری است که بین قصر سلطنتی و باغ لاله‌زار به وسیله معلمین دارالفنون کشیده شد، دو سال بعد به دستگیری علیقلی میرزا، خطی

بین تهران و زنجان برقرار گردید و یکسال بعد آنرا تا تبریز امتداد دادند.<sup>(۱)</sup>

در سال ۱۲۷۶ هجری قمری، دولت انگلستان تصمیم گرفت که در دریای احمر یک کابل زیر دریائی دایر کند و همان کابل را با کابلی که از راه ماری و اسکندریه می‌گذشت مربوط نماید، لیکن در این عمل دولت انگلستان با عدم موفقیت روبرو شد. در سال ۱۲۸۰ هـ قرارداد تلگراف زیرزمینی از راه قسطنطنیه به امضاء رسید، این خط تلگرافی از راه بغداد، کرمانشاه، همدان، تهران، بوشهر و خلیج فارس به هندوستان منتهی می‌گردید.

اولین سیم این رشته تلگراف در سال ۱۲۸۱ هـ با همه اشکالاتی که در پیش بود، کشیده شد در سال ۱۲۸۷ کمپانی زیمنس خطوط تلگرافی بین لندن تا مرز روسیه را از دولتهای بریتانیا و آلمان اجاره کرد و یک خط تلگرافی از راه اودسا و تفلیس و تبریز به تهران کشید و در اینجا این خط با خط سابق متصل شد. این خط که توسط کمپانی هند و اروپا اداره می‌شد، مخابره مستقیم بین لندن و هندوستان را انجام می‌داد.

بوشهر به وسیله کابل زیردریائی به جاسک و جاسک نیز به کراچی اتصال پیدا کرد.<sup>(۲)</sup>

تمام خطوط تلگرافی که در خاک ایران به وسیله کمپانی‌های مختلف کشیده شده بود، پس از تمام شدن مدت امتیاز، به ایران واگذار گردید.

اولین ایستگاه تلگراف بی‌سیم در سال ۱۳۰۲ شمسی در محل قصر قاجار برپا شد و ابتدا با ایستگاههای دیگری در تبریز و بندر انزلی و مشهد و شیراز و کرمانشاه ارتباط داشت، که البته به منظور رفع احتیاجات لشگری بود، بعدها با ایستگاههای عمده دنیا مربوط گردید.

۱ - شرح زندگی من - عبدالله مستوفی ص ۱۱۶

۲ - تاریخ ایران - سرپرسی سایکس ص ۵۲۹



## فرهنگ و آموزش و پرورش

فرهنگ و آموزش و پرورش

اطفال از پنج سالگی به مکتب می‌رفتند و در آنجا به آنها قرائت قرآن مجید و فارسی و حساب می‌آموختند. مقرری ثابتی به مکتب‌دارها نمی‌دادند، اما وقتی طفل از عهده قرائت قرآن بر می‌آمد از طرف پدرش هدیه‌ای به معلم داده می‌شد و این کار در پایان هر قسمت از کار آموزشی تکرار می‌گردید.

به طور کلی آموزش در این دوره پیشرفت زیادی نداشت و کسی که فقط خواندن و نوشتن را می‌دانست عنوان (میرزا) در جلوی اسم خود می‌گذاشت و به آن افتخار می‌کرد. دختران در سن هفت سالگی به مکتب می‌رفتند و علاوه بر قرائت قرآن مجید، خواندن و نوشتن و دوخت و دوز به آنها می‌آموختند.

اکثر مردم ایران در حدود ۹۷٪ بی‌سواد بودند و بقیه با سوادان فقط خواندن و نوشتن و حساب کردن را می‌دانستند و عده بسیار کمی هم بودند که با علوم جدید و تمدن غرب آشنایی داشتند. بطور کلی هیچگونه وسیله پرورش و رشد فکری برای اکثریت مردم در این زمان وجود نداشت. برنامه، تربیت خانوادگی، آشنا کردن اطفال به وظایف مذهبی و انجام عبادات و احتراز از کارهای زشت بود و بطور کلی پدران و مادران هدفشان این بود که اطفال خود را با آموزش‌های مذهبی و اخلاقی از فساد و تباهی دور نگهدارند و به همین دلیل اولیاء اطفال، برای پسران و دختران بالغ خود وسایل ازدواج را هرچه زودتر فراهم می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

در این دوره به تربیت اخلاقی بیشتر توجه داشتند، تا به آموزش علوم، البته خوشبختی هر جامعه در این است که تربیت معنوی هم داشته باشد، نه این که افراد آن عالم باشند، ولی پایبند اخلاق و تقوی نباشند.

درباره آموزش ایران در این دوره لود کوزن چنین می‌نویسد: «به عقیده ایرانیان علم و دانش عبارت از اطلاع و احاطه بر ادبیات ایران و عرب و فهمیدن تفسیر قرآن و فلسفه شرق می‌باشد و کلیه معلومات آنان روی همین مبانی دور می‌زند و در شهر و دهات ایران چندین مکتب خانه است. حق‌الزحمه مکتب‌داران از ماهی یک قران تا سه قران است. در این مکتب‌ها تلاوت قرآن را علاوه بر

خواندن و نوشتن می‌آموزند. قرآن را طوطی وار می‌خوانند یعنی کمترین توجهی به مفاد و مفهوم آن ندارند. طرز تدریس در مکتب خانه‌های ایرانی طوری است که بیشتر فارغ‌التحصیلان روخوانی فارسی را می‌دانند ولی نوشتن را نمی‌دانند. کسانی که هر دوی این هنر یعنی خواندن و نوشتن فارسی را بدانند به لقب عالی «میرزا» ملقب می‌شوند. مدارس عالی به مفهوم اروپایی در ایران یافت نمی‌شود و در بعضی مدارس ایران علوم طب و فقه و فلسفه تدریس می‌شود. در مدارس مزبور برنامه دوره تحصیلی و سایر مقررات معموله وجود ندارد و هرکس هر وقت بخواهد به آن مدارس رفته و مطابق دلخواه از آنجا بیرون می‌آید.<sup>(۱)</sup>

با آغاز قرن نوزدهم تحولات جدیدی در اوضاع عمومی اروپا به وجود آمد، که خواه ناخواه سرنوشت سیاسی و اجتماعی مملکت ما را تحت تأثیر قرار داد و دولت ایران متوجه گردید که برای پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی، بایستی از تمدن اروپایی اقتباس کند.

آمدن هیئت‌های نظامی انگلیسی و فرانسوی و ایجاد کارخانه‌های مختلف، مقدمه اجرای این نقشه اجتماعی گردید و کم‌کم اولیاء امور به این موضوع توجه پیدا کردند که برای آشنایی کامل با تمدن و فرهنگ کشورهای اروپایی باید جوانان ایرانی را برای تحصیل علوم مختلف به اروپا اعزام دارند. اولین مرتبه این فکر در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه و وزیرش قائم مقام جامه عمل پوشید و می‌توان این دو شخصیت وطن پرست را پیشرو مکتب اصلاح و ترقی در ایران به شمار آورد.

در سال ۱۲۹۶ دو نفر محصل به انگلستان فرستاده شدند. عباس میرزا به آنها گفت کاری کنید که برای کشورتان مفید باشید. یکی از آنها پس از یکسال و نیم درگذشت و دیگری میرزا حاجی بابا به تحصیل طب پرداخت و پس از شش سال به ایران بازگشت. به دنبال آن در سال ۱۲۳۰ نیز یک هیئت پنج نفری از جوانان ایرانی برای تحصیل رشته‌های مختلفی، مثل مهندسی، طب، توپخانه، ریاضی، زبان و حکمت طبیعی به انگلستان روانه شدند، این عده در جمادی‌الثانی آن سال از راه روسیه عازم لندن گردیدند و پس از سه سال و نه ماه اقامت در انگلستان در ۱۲۳۵ به وطن خود برگشتند و هریک به کاری در خور تحصیلات خود گماشته شدند. در میان آنها دو نفر به درجات بلند علمی رسیدند، یکی میرزا جعفر مهندس که بعدها به سفارت ایران در عثمانی رفت و مشیرالدوله لقب یافت، سپس رئیس شورای دولت گردید، دیگری میرزا صالح شیرازی که اهل فضل و کمال و بسیار تیزبین و نکته سنج بود.



طرز حکومت انگلیس در افکار میرزا صالح اثر خاص بخشیده بود و در نوشته‌های خود به آن اشاره کرده است. میرزا صالح در سفرنامه خود، وضع ایران را با کشور انگلستان مقایسه کرده و درباره جور و تعدی درباریان و حکام و متنفذین در ایران مطالبی نوشته و راه‌هایی از این نابسامانی‌ها را نشان داده است.

## تأسیس دارالفنون

امیرکبیر در مسافرتی که همراه خسرو میرزا به روسیه رفت دریافت که تا جوانان ایران با دانش و تقوی نباشند، کشور آباد و مستقل نمی‌شود. در همان زمان تصمیم گرفت که اگر روزی به قدرت برسد دارالعلمی برای آموزش و پرورش جوانان کشور دائر کند. چون به صدارت رسید، پیش از هرکار به ایجاد دارالفنون پرداخت. ابتدا زمینی را که نزدیک کاخهای سلطنتی بود برای تأسیس این مؤسسه علمی در نظر گرفت.

پس از این که ناصرالدین شاه با تأسیس دارالفنون (مکتب خانه پادشاهی) موافقت کرد، به میرزا رضاخان مهندس تبریزی که در زمان عباس میرزا برای تحصیلات مهندسی به لندن فرستاده شده بود، دستور داد که نقشه جامع برای این مؤسسه علمی طرح ریزی کند.

او نقشه ساختمان مورد نظر را با سوابق ذهنی که از مؤسسات آموزشی انگلستان داشت طرح ریزی و آماده کرد.

محمدتقی معمار از روی نقشه‌ای که میرزا رضای مهندس در اواخر سال ۱۲۶۶ کشیده بود ساختمان را شروع کرد و در نیمه اول سال ۱۲۶۷ ساختمان‌های شرقی به پایان رسید. امیرکبیر هر روز به خاطر شوق و علاقه‌ای که به این کار داشت به محل ساختمان می‌رفت و دستورات لازم صادر می‌کرد. در ضمن بهرام میرزای معزالدوله حاکم پایتخت نیز به دستور امیرکبیر در کار ساختمان نظارت داشت.

از زمانی که ساختمان دارالفنون آغاز گردید، امیرکبیر در فکر انتخاب معلمان بود ولی چون نمی‌خواست استادان از کشور انگلیس و روس و فرانسه باشند، به یکی از اعضاء سفارت ایران در مسکو ماموریت داد که به اطریش و پروس برود و عده‌ای را برای تدریس در مکتب خانه شاهی (دارالفنون) برای مدت شش سال استخدام کند.

در روز یکشنبه پنجم ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸، دارالفنون سیزده روز قبل از گشته شدن امیرکبیر که یکی از خدمتگزاران واقعی ایران بود، با حضور ناصرالدین شاه و گروهی از درباریان و معلمان

اطریشی و ایرانی افتتاح شد.

در ماه ربیع الاول سال ۱۲۶۹ ساختمان این مؤسسه آموزشی پایان پذیرفت، در این بنا پنجاه اتاق برای تشکیل کلاسها در نظر گرفته شده بود ولی به علت توسعه و ازدیاد رشته‌های مختلف علوم، کلاس‌های بیشتری ضرورت پیدا کرد.

در اوایل سال ۱۲۷۲ نیرالملک وزیر علوم با کمک امین‌السلطان، وزیر مالیه وقت، منازل اطراف دارالفنون را برای ساختن کلاس‌های جدید خریداری کرد.

در سال‌های اول تأسیس دارالفنون، در کلاس‌های طب تدریس نظری بود، چون تشریح اجساد از لحاظ مذهبی اشکال داشت، یکی از افراد خارجی که در تهران مقیم بود بطور ناگهانی درگذشت و چون مرگش مشکوک بود به درخواست بازماندگانش به منظور معلوم شدن علت مرگ او، دکتر پولاک معلم طب و جراحی با حضور شاگردان، او را کالبد شکافی کرد و دانشجویان برای اولین دفعه از درس عملی استفاده کردند، بعدها نیز از اجساد مردم غیر مسلمان برای تشریح استفاده شد.

سأله‌ها بعد بارنه نمود معلم زبان فرانسه پیش از مرگ جسدش را به مدرسه طب فروخت و با پول آن به توسعه کتابفروشی خود افزود.

برای کتابخانه و چاپخانه و اتاق نقاشی در دارالفنون، نیز جای مخصوصی ساخته شده بود. اعتضاد السلطنه وزیر علوم در سال ۱۲۸۰ کتابخانه دارالفنون را تأسیس کرد و کتابهای زیادی برای آنجا جمع‌آوری نمود. وقتی وزارت به میرزا محمدخان علاء الملک محوّل شد، کتابخانه دارالفنون را به جای مستقلی که بعدها کتابخانه ملی نام یافت، انتقال داد.

چاپخانه و عکاس خانه دارالفنون را مدتی شاهزاده عبدالله میرزای قاجار اداره می‌کرد و کارگاه نقاشی را آقا میرزا اسماعیل خان جلایر.

میرزا ابراهیم خان حکیم الملک وقتی وزیر علوم شد، به تأسیس دارالمعلمین اقدام کرد، اما برای این کار پول و جا در اختیار نداشت. چون به فایده این امر خطیر نیز آگاه بود، ناچار از بودجه اندک وزارتخانه، سهمی به این کار اختصاص داد و به ساختن تالاری در دارالفنون، برای محل موقت دارالمعلمین همت گماشت. در شماره ۸۲ سال دوم روزنامه ایران نو مورخ ۲۹ محرم ۱۳۲۰ قمری چنین نوشته. «در دارالفنون مشغول ساختن یک اتاق بزرگی هستند و شاید تا این چند روز به اتمام برسد، و آن اتاق موسوم به دارالمعلمین خواهد بود و تمام معلمین ایرانی و خارجی باید در آن اتاق جمع شوند تا طرز و روش تعلیم را به متعلمین یاد بدهند.»

دارالمعلمین چندین سال بعد در جای دیگر تشکیل شد، اما این تالار بی فایده نماند و به محل



سخنرانی‌های علمی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی اختصاص یافت. در آن زمان هنوز بنیان مشروطیت ایران استوار نشده بود و مردم حتی آنان که خواندن و نوشتن می‌دانستند از فوائد آزادی و حکومت مشروطه بی اطلاع بودند، به همین سبب تشکیل مجامع سخنرانی برای تفهیم این مسائل لازم تشخیص داده شد و جائی بهتر از تالار جدید دارالفنون نبود.

در این تالار علاوه بر بحث در مسائل علمی و تربیتی، به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان نیز توجه می‌شد و درباره این مطالب سخنرانی‌هایی به عمل می‌آمد.

ابتدا نام مؤسسه علمی که بعدها دارالفنون نامیدند مکتب خانه شاهی بود، نظیر مکتب سلطانی اسلامبول، ولی کم‌کم در مراسلات به مدرسه نظامیه تغییر کرد زیرا بیشتر برنامه دروس برای آموزش نظامی و تربیت افسران بود، به این علت که در موقع جنگ ایران و روس و آمدن مستشاران انگلیسی و فرانسوی و ترک خدمت کردن این مستشاران در هنگام جنگ به دستور دولت متبوع خود، این نتیجه حاصل شد که نباید به امید دیگران بود و باید کشور دارای سازمان نظامی مستقل باشد که افسران مجرب و آزموده تربیت کند و در موقع لزوم از آنها استفاده برد، تا نیازی به افسران خارجی نباشد.

رشته‌های آموزشی عبارت بود: از پیاده نظام، سواره نظام، مهندسی، طب و جراحی، دارو سازی، معدن شناسی.

علاوه بر برنامه‌های اختصاصی، زبان فرانسه، علوم طبیعی، ریاضی، تاریخ و جغرافیا تدریس می‌شد، بعدها آموزش زبان انگلیسی و روسی و نقاشی و موسیقی جزء برنامه منظور گردید. برای توسعه مطالعه دانشجویان و معلمان، مترجمان به ترجمه و تألیف کتب درسی پرداختند که برای دانشجویان بسیار ضروری و مفید بود.

میرزا زکی خان کتابهایی در خصوص توپخانه، حکمت طبیعی، مکانیک و حساب و جغرافیا نوشت. دکتر پلاک Polak اطریشی کتاب جراحی.

ستوان کرزیز Krziz کتابهایی در خصوص جبر و مقابله، قلعه سازی و توپخانه تألیف کرد. رئیس الاطباء (دکتر علی) در علم تشریح.

میرزا کاظم خان محلاتی در خصوص اصول شیمی.

دکتر آلبو Albo در خصوص فیزیولوژی

دکتر Schlimmer در خصوص فرهنگ لغات طبی

میرزا عبدالغفارخان نجم الدوله در خصوص حساب و هندسه و جغرافیا و تاریخ طبیعی

میرزا علی اکبرخان مرزینالدوله در خصوص تعلیم زبان فرانسه (۱)

در محاصره هرات دسته مهندسی و توپخانه دارالفنون زیر نظر بوهلر فرانسوی در لشکرکشی به هرات، در موفقیت حسام‌السلطنه بسیار مؤثر بود و این اولین مرتبه است که قشون ایران از تحصیلات شاگردان دارالفنون در پل سازی و امور دیگر نظامی استفاده می‌کند.

انگلیسی‌ها از شرکت مهندس فرانسوی در جنگ هرات و سرپرستی او از دانشجویان ایرانی، انتقاد کردند و هنری راویسن سفیر انگلیس در فرانسه ضمن ملاقات با میرزا حسنعلی خان گروسی وزیر مختار ایران در پاریس، از دولت ایران گله نمود که چرا برای تعلیم سپاهیان خود از فرانسویان استفاده کرده‌اند. و بوهلر را برای اداره استحکامات به هرات فرستاده‌اند.

با مرگ دو تن از معلمان اطریشی و مراجعت یکی دیگر از معلمان، برای اشتغال فرانسوی‌ها و ایتالیائی‌ها به امر تدریس در دارالفنون، فرصتی به دست آمد.

از شاگردان اعزامی در دوره محمد شاه به پاریس، که به تکمیل کار تحصیل خود موفق نشده و به ایران مراجعت کرده بودند، برای دستیاری و ترجمه دروس معلمین فرانسوی استفاده شد و کار ترجمه کتابهای ریاضی، طب، جراحی، شیمی، فیزیک، داروسازی و نجوم رواج کامل پیدا کرد و اصطلاحات کتب علمی قدیم ایران از جمله درةالتاج، ذخیره خوارزمشاهی و تحفه حکیم مؤمن و شرح زیج سلطانی تجدید حیات پیدا نمود و در موارد لزوم به کار برده می‌شد.

در ماه شوال ۱۳۱۵ (ق) نخستین انجمن رسمی معارف جدید با حضور وزیر علوم در مدرسه رشدیه منعقد گردید. احتشام السلطنه به دستور صدراعظم دفتری برای جمع‌آوری اعانه جهت تأسیس مدارس ملی تهیه کرد و ابتدا برای شاه فرستاد. مظفرالدین شاه در آن دفتر مبلغ دو هزار تومان نوشت. وزراء و اعیان و اشراف هرکدام مبلغی متعهد گردیدند و با جمع‌آوری این وجوه، مدارس متعددی تأسیس گردید و داوطلبان در آن مدارس به تحصیل پرداختند.

در سال ۱۳۱۵ احتشام‌السلطنه مدرسه علمیه را تأسیس کرد، و آنتهایی را که در دارالفنون و یا در خانه‌های خود مختصر تحصیلی کرده بودند، پذیرفت و این کار باعث خشنودی اولیاء اطفال گردید، زیرا مردم هر قدر هم که استطاعت مالی داشتند، نمی‌توانستند با معلمهای متعدد کار تحصیل فرزندان خود را در خانه تنظیم نمایند، دیگر آنکه اغلب معلم‌های سرخانه از تعلیمات ابتدایی به سبک جدید بی‌اطلاع بودند. در شهر تهران عده زیادی که با روش قدیم تحصیل کرده بودند، اغلب روزها در



خانه‌های اعیان به تدریس کودکان اشتغال داشتند، تأسیس این نوع مدارس لطمه مالی به این طبقات وارد آورد و در نتیجه با فرهنگ جدید به مخالفت پرداختند ولی این مخالفت‌ها به جایی نرسید. بزرگان و ثروتمندان زمان نیز به تأسیس مؤسسات آموزشی پرداختند و در این راه بین آنها رقابت به عمل آمد.

میرزا کریم خان سردار مکرّم مؤسسه‌ای بنام دارالایتم به وجود آورد که اطفال فقیر را در آنجا نگهداری می‌کردند و به آنها خواندن و نوشتن نیز می‌آموختند، او قسمت مهمی از دارایی خود را برای مخارج این مؤسسه وقف کرد.

حسن مشیرالممالک فرزند مشیرالدوله که در قسمت حقوق در مسکو تحصیل کرده بود، اقدام به تأسیس یک مدرسه عالی سیاسی نمود، که در آنجا حقوق ملل، زبان فرانسه، تاریخ ایران، فقه، جغرافیا و ادبیات فارسی تدریس می‌شد.

افتتاح دبستان نیز کم‌کم در شهرها رواج پیدا کرد و با کمک ثروتمندان و روشن‌فکران در این راه قدم‌های مؤثری برداشته شد.

در قاین امیر شوکت الملک چند دبستان تأسیس کرد و آموزگاران شایسته از تهران و سایر نقاط برای تدریس استخدام نمود. در تبریز بازرگانان با کمک‌های مالی و کوشش‌های فراوان، در هر محله‌ای دبستان برای تحصیل اطفال تأسیس کردند، از جمله حاج شیخ علی اکبر اهرابی و حاج محمد را باید نام برد.

کم‌کم دبستان‌های دخترانه نیز به وجود آمد و مدارس حرفه‌ای نیز در بعضی از شهرها از جمله تهران به وسیله سفارت آلمان تأسیس گردید که معلمان آن از طرف سفارت آلمان استخدام گردیدند. اقلیت‌های مذهبی نیز در این دوره به توسعه مؤسسات آموزشی خود پرداختند، زردشتیان قبل از این که مدارس جدید در ایران به وجود آید، در شهرهای یزد و کرمان مدارس ابتدایی تأسیس کرده بودند. در دوره قاجاریه پس از مشروطیت، به علت آزادی بیشتر، به ایجاد کودکان‌ها و دبستان‌ها و دبیرستان‌ها در تهران و یزد و کرمان پرداختند.

مؤسسات آموزشی زردشتیان با کمک انجمن خیریه زردشتیان ایران و پارسیان مقیم هندوستان اداره می‌شد. مدارس معروف زردشتیان در تهران عبارت بود از دبیرستان فیروز بهرام، دبیرستان انوشیروان دادگر.

تاریخ آموزش و پرورش آرامنه در ایران از زمانی است که شاه عباس عده‌ای از آرامنه نخجوان، جلفا و ایروان و گنجه را به داخل ایران کوچ داد و آرامنه ابتدا به کمک شاه عباس در جلفای اصفهان،

کلیسایی بنا کردند و به تدریج بر تعداد آن افزودند و مؤسسات آموزشی و تربیتی نیز به تدریج دایر گردید. مدارس آرامنه در تهران متعدد و مجهز بود و به وسیله جامعه آرامنه اداره می‌گردید. اولین مدرسه کلیمیان مقارن با تأسیس دارالفنون در زمان ناصرالدین شاه تأسیس گردید. جمعیت آلیانفس اسرائیلیت از شاه وقت تقاضا کرد که اجازه تأسیس مدرسه به آنها داده شود، با این تقاضا موافقت شد و مقرر گردید که سالیانه ۲۰۰ تومان برای کمک هزینه از طرف دولت پرداخت شود.

سه مؤسسه به توسعه و تأسیس مؤسسات آموزشی کلیمیان کمک کرد مؤسسه اتحاد مؤسسه Ozaratora (گنج دانش) و مؤسسه ارت Art

اولین وزارتخانه فرهنگ به نام وزارت معارف و اوقاف با تصویب مجلس شورای ملی به وجود آمد، البته قبل از این تاریخ، وزارتخانه‌ای به نام وزارتخانه علوم از زمان صدارت مشیرالدوله در ایران وجود داشت.

در این موقع اغلب مدارس ملی بود و وزارتخانه کمکی به این مؤسسات آموزشی نمی‌کرد، این مدارس هم چندان اطاعتی از وزارتخانه نداشتند.

وزارت فرهنگ در ایالات و ولایات یکی از رؤسای مدارس ملی را به نمایندگی معارف و اوقاف آنجا تعیین می‌کرد ولی این مقام به جهت مداخلاتی که در امور اوقاف محل می‌نمود، چندان بی‌داوطلب نبود.

از کارهای دیگر وزارت فرهنگ اجازه طبع کتب جدیدالتالیف بود.

در زمان وثوق الدوله بودجه این وزارتخانه تا اندازه‌ای افزایش یافت و در نتیجه کمک به مدارس ملی نیز بیشتر شد و مدارس بیشتر تحت نظر وزارتخانه مربوطه درآمد.

ناصرالدین شاه به تأسیس مدارس جدید در شهرها و توسعه فرهنگ و سازمانهای تربیتی توجه خاص داشت و پیشنهادات رسیده در این مورد را نیز می‌پذیرفت و دستورات لازم صادر می‌کرد و از جمله پیشنهاد ظل‌السلطان درباره تأسیس مدارس در اصفهان است که مورد توجه شاه واقع گردید و مورد اجرا قرار گرفت.

**پیشنهاد ظل‌السلطان به ناصرالدین شاه برای تأسیس مدارس جدید در اصفهان**

این گزارش را ظل‌السلطان هنگامی که در طهران بوده برای شاه نوشته.

«هو - تصدق خاکپای همایونت شوم کراراً غلام خواسته است این جسارت را بنماید، اکنون وقت آن رسیده جسارت می‌کند که در جلفای اصفهان که هزار خانه بیش نیست پنج شش مدرسه



تدریس برپا شده است و اطفال ارمانه مشغول تحصیل هستند و در شهر اصفهان نیست. عمارت خوب این غلام برای مدرسه حاضر کرده است، همه اسباب آن موجود است. اگر رأی همایون قرار بگیرد به جناب مخبرالدوله دستخطی مرحمت شود، چند نفر معلم از شاگردهای خوب مدرسه بدهند که اسباب مدرسه فراهم آید و باعث تربیت و تعلیم اطفال شده و آگاهی عمومی باشد و معلم زبان انگلیسی و علم طب در اصفهان موجود است، معلم شیمی و فیزیک و معلم موزیک و معلم ریاضی و معلم پیاده نظام هم از مدرسه مرحمت شود، اگر مواجب دیوانی آنها قلیل است غلام خود مواجب و جیره و سایر مراتب آنها را متحمل است و اطاعت خواهد کرد، همه مخارج این مدرسه را غلام اطاعت دارد، همین قدر برای تربیت و آگاهی استیذان از دربار همایون می خواهد و چند نفر معلم معروضه هم مقرر شود جناب مخبرالدوله بدهند، الامر الاقدس الهمایون الاعلی مطاع مطاع - مهر - مسعود»

دستور ناصرالدین شاه با خط امین الملک منشی حضور در بالای گزارش ظل السلطان «ظل السلطان - بسیار خیال خوب و مبارکی است همینجا با مخبرالدوله گفتگو کرده قرار تعیین و فرستادن معلمین را بدهید». سند شماره ۱۰۳

### نقش هیئت های خارجی در پیشرفت آموزش و فرهنگ

انجمن های تبلیغی مسیحی همانطور که نقش مهمی در تأسیس بیمارستانها داشتند، در ایجاد مدارس نیز فعالیت زیاد کرده اند.

پرکینز Perkins مدارس در ارومیه و اطراف آن دایر کرد که بیشتر دانش آموزان این مدارس آسوری بودند و یک مدرسه هم برای مسلمانان دایر نمود.

مؤسسه آمریکائی مبلغین مذهبی وابسته به کلیسای پرسبیتری، نیز مدارس در تهران و تبریز و همدان تأسیس کرد که ابتدا آسوریها و ارمنی ها در این مدارس تحصیل می کردند، بعدها مسلمانان نیز به این مدارس راه یافتند.

انجمن لندن برای ترویج مسیحیت نیز مدارس در تهران، اصفهان و همدان دایر کرد. در سال ۱۸۹۶ دکتر جواردن از طرف هیئت آمریکائی کلیسای پرسبتری به ایران آمد و مدرسه ای تأسیس کرد که افراد مسلمان و اقلیت های مذهبی نیز در آنجا به تحصیل می پرداختند. مقامات ایرانی در زمینه تعلیم و تربیت و فراهم کردن امکانات لازم برای کلیه طبقات اقدامات مؤثری می کردند و در آموزش و پرورش عمومی فعالیت زیادی داشتند.

کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

نصرت پسر هدایت ثم  
کلمه فم مده است احزاب را با اله

فم نموده است  
رسید حدیث کند که در صفای صفیان که از زلفه پسریت پنج شتر مدسه در پسریت  
و همی از پسر شتر تحریر شده در صفیان نیت حارت غلبه ایم غلبه  
کند است که آب آن روحیات انگلیس مسعود قلند کرد جاب جاب  
خبر فرستاد که از غلب مدسه برنده که آب مدسه فرام کرد و حث  
شد و از هر مدسه به سلم زبان پسر مدسه طب صفیان روحیات سلم فرستاد  
سلم غیر سلم با هم نظام هم که مدسه در حث شد اگر غلب و درایه  
رواب و چه با بر مکتبها و تحریرات مداحات غلبه که مداحات  
فم مداحات مداحات مداحات مداحات مداحات مداحات مداحات  
مداحات مداحات مداحات مداحات مداحات مداحات مداحات



در زمان مظفرالدینشاه مدارس تأسیس گردید ولی فقط طبقات بالا و درباریان از تحصیل علوم جدید بهره‌مند می‌شدند و اطفالشان تحت نظر معلمین یا مدارس خارجی به کسب علم اشتغال داشتند از جمله چارلز بورگس Charles Burgess بود که در تبریز شاهزادگان قاجار را در خانه تعلیم می‌داد.

فرستادن جوانان ایرانی به خارج برای تحصیل و بازگشت آنها نقش مؤثری در پیشرفت تعلیم و تربیت داشته است و در نتیجه رویه آموزش و پرورش تغییر پیدا کرد و کلیه طبقات کم‌کم با فرهنگ جدید آشنایی پیدا کردند.

هیئت‌های نظامی و سیاسی انگلیس و فرانسه و ایتالیا که به ایران آمدند، عده‌ای پزشک همراه داشتند که به علت مهارتشان در معالجه امراض مورد اعتماد حکام و خانواده‌های بزرگ واقع گردیدند.

در سال ۱۸۱۲ م پزشکان سفارت ایتالیا مایه آبله را از اسلامبول آوردند و ۳۰۰ کودک را واکسن زدند، استقبال مردم از کار این پزشکان باعث مخالفت پزشکان ایرانی با آنها گردید.

یکی از جراحان معروف انگلیس که در ایران کار می‌کرد دکتر چارلز کورمیک است که پس از رفتن هیئت انگلیسی در ایران ماند و به کار خود ادامه داد و پزشک مخصوص عباس میرزا گردید.

دیگر جان مک نیل است که در سال ۱۲۴۶ ق به عنوان جراح سفارتخانه انگلیس به ایران آمد و تاج‌الدوله زن فتحعلیشاه را با موفقیت معالجه کرد و مدتها در ایران به مداوای بیماران می‌پرداخت.

در سال ۱۲۶۹ ق که روابط ایران با فرانسه گسترش پیدا نمود پزشکان فرانسوی نیز به ایران آمدند از جمله M-Labat که طبیب مخصوص محمدشاه گردید و دیگر کلوکه Clouque.

در سال ۱۲۷۳ ق ژرف دیکنسن پزشک سفارتخانه انگلیس مورد توجه ناصرالدین شاه واقع شد و در نخستین سفر به اروپا او را همراه خود برد. دکتر هیو آدکوک Hughadcock عنوان پزشک مخصوص مظفرالدینشاه را پیدا کرد.

پزشکان انگلیسی به مداوای مردم فقیر در تبریز و تهران می‌پرداختند و بدین وسیله جلب توجه می‌نمودند در شهرهایی هم که انگلیس کنسولگری داشت پزشکان انگلیسی مردم بی‌بضاعت را بدون دریافت وجه معالجه می‌کردند.

در سال ۱۲۷۶ ق در دارالفنون رشته پزشکی دایر شد و بعد از چند سال پزشکانی که با علوم جدید آشنایی داشتند به معالجه بیماران پرداختند.

در این زمان یک شورای پزشکی از اطباء ایرانی، انگلیسی و فرانسوی تشکیل شد که به وضع

بهداشت ایران رسیدگی می کردند. هیئت های تبلیغی مسیحی، بیمارستانها و داروخانه های متعدد به وجود آوردند که به بیماران دواي مجاني می دادند.

در سال ۱۸۹۶ م یک بیمارستان و یک داروخانه از طرف هیئت تبلیغی کلیسا در جلفای اصفهان افتتاح شد و بعدها بیمارستانهایی هم در کرمان - یزد - شیراز تأسیس گردید که به معالجه بیماران می پرداختند. البته کشورهای اروپائی با تأسیس بیمارستانها و اعزام پزشک و معالجه بیماران بی بضاعت بدون دریافت وجه و دادن دواهای مجاني در پشت پرده انسان دوستی و کمک بیشتر به بیماران دو نظر داشتند، یکی تبلیغ آئین مسیحیت دیگر نفوذ در جامعه ایرانی برای اجرای سیاستهای استعماری.

## دادگستری

دادگستری

قبل از بحث درباره دادگستری در دوره قاجاریه، ضرورت دارد که مختصری درباره دادرسی در اسلام ذکر شود، زیرا بیشتر مسائل حقوقی و اجتماعی این دوره در محاکم شرع مورد بررسی قرار می گرفت و با وجود محاکم عرف، مردم به محاکم شرع بیشتر اعتماد داشتند.

در اسلام قضاوت، شغلی بسیار مهم است که متصدی آن باید دارای صفات و مشخصات لازم باشد و هرکس نمی تواند به امر قضاوت به پردازد، و خداوند این امر را به پیغمبران و جانشینانشان تخصیص داده است. خداوند در قرآن مجید می فرماید (یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض و فاحکم بین الناس بالعدل).

پس از پیغمبران و جانشینانشان، کسانی می توانند به امر قضاوت بپردازند که به قوانین الهی و سنت رسول اکرم (ص) احاطه کافی داشته باشند. حضرت امام جعفر صادق (ع) دادرسان را به چهار دسته تقسیم می فرمایند و سه دسته را اهل جهنم و یک دسته را اهل بهشت می دانند.

«دادرسانی را که فهمیده و دانسته و یا آنکه ندانسته به جور داد کنند و یا آنکه ندانسته و تستجیده به ناحق رای دهند، اهل آتش و کسانی که دانسته و فهمیده به حق دادرسی نمایند اهل بهشت خواهند بود.

برای دادرسان در اسلام، شرایطی در نظر گرفته شده است از جمله آن که دادرس باید مجتهد باشد و بتواند قضا یا را تجزیه و تحلیل نماید و ایمان داشته باشد و طبق قوانین قرآن و احادیث ائمه